

■ **احمد محمد تبریزی**

یوسف مرچبا یکی از چهره‌های برجسته انقلاب امسال به عنوان شهید شاخص سازمان بسیج حقوقدانان معرفی شد. شهید مرحبا در دوران حکومت طاغوت مبارزی شجاع و فعال بود و با پیروزی انقلاب همین روحیه را حفظ کرد و در کنار فعالیت‌های انقلابی و مجاهدانه‌اش به عنوان معلم قرآن و معارف دینی و اسلامی هم شناخته می‌شد. در ادامه در گفت‌وگو با خانواده و هم‌زمان شهید معلم «یوسف مرحبا» نگاهی به دوران مبارزاتی و فعالیت‌های علمی و فرهنگی او می‌اندازیم.

■ **قبولی در دانشگاه فردوسی**

شهرستان آستارا در شمال غرب ایران جایی است که یوسف مرحبا در آنجا متولد می‌شود و خیلی زود استعداد بالایش در درس و دانش را نشان می‌دهد. او برای افزایش بنیه علمی و بروز توانایی شگفت‌انگیز خود با قبولی در رشته‌فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد و با بهره جستن از حضور استادانی همچون علامه محمدتقی جعفری در کمتر از چهار سال موفق به اخذ مدرک کارشناسی می‌شود.

سرهنگ پاسدار محمدعلی علی‌زاده فرمانده سپاه شهرستان آستارا با بیان خاطراتی از این شهید، تعریف می‌کند: قبل از انقلاب از مبارزان انقلابی و از یک خانواده مذهبی، دیندار و متدین پا به عرصه مسائل سیاسی در شهرستان آستارا گذاشت و دانشجوی بر تبه تر دانشگاه فردوسی مشهد شد. قبل از پیروزی انقلاب در کارهای دینی و فعالیت‌های مذهبی فعالیت داشت و از همان زمان رساله امام و کتاب‌های دینی را مطالعه می کرد و در سطح شهرش گسترش می‌داد. شهید مرحبا پس از گذراندن خدمت سربازی در شهر اردبیل در دانشسرا و سپس در دبیرستان به تدیس قرآن و عربی می‌پردازد. در زادگاهش نوجوانان و جوانان را در مغازه‌ای که متعلق به یکی از بستگانش بود جمع می کرد و برای آنها از ظلم و جور رژیم طاغوت می گفت و در مسجد جامع آستارا به تدریس قرآن کریم می‌پرداخت.

خانم معالی پور همسر شهید با مرور خاطرات آن روزها اینگونه بیان می‌کند: شهید کتاب‌های بسیاری داشت که بسیاری از آنها آن زمان قاچاق بودند. کتاب‌های مثل رساله امام خمینی و فاطمه فاطمه است و کتاب‌های ممنوعه دیگری در خانه داشت و مطالعه می‌کرد دیگران را هم برای آشناندنش تشویق می کرد. چون ساواک آقا یوسف را تعقیب می کرد ما می ترسیدیم و در مدرم کتاب‌ها را در حیاط می پراکندیم و رویشان گلدان می گذاشتیم. در سال در اردبیل بودیم و بعد از دو سال دوباره به آستارا برگشتیم و در آموزش و پرورش هم استخدام شدیم و در دانشسرای مقدماتی هم تدریس می کرد.

■ **نگارش دو کتاب**

او در ادب فعالیت‌های فرهنگی اش دو کتاب با نام‌های «قرآن در اسلام» و «اصول اعتقادات اسلام» نوشت که کتاب دوم به علت شهادتش نیمه تمام ماند. سید کاظم سیدی از دوستان شهید درباره دانش شهید می گوید: یوسف محصلی زاده و کوشا بود که در علوم قرآنی، زبان و ادبیات عرب تبحر خاصی داشت. از معلمانی بود که تعصب خاصی به رشته خودش و اسلام داشت. شاگردانش او را دوست داشتند و با عشق و علاقه زیادی در کلاس‌هایش حاضر

می‌شدند. غلامرضا مرچبا فرزند شهید کارهای فرهنگی پدرش را چنین بیان می‌کند: کتاب «اصول اعتقادات در اسلام» با شهادت پدرم نیمه تمام ماند. البته قسمت اعظم کتاب نوشته شده بود و بعدها بنیاد شهید استان این کتاب را برای بررسی و تکمیل از ما گرفت که متأسفانه نه کتاب تکمیل شد و نه آن را به ما برگرداندند. چنین کتاب‌هایی در زمان حکومت پهلوی ممنوع بودند و اگر در خانه کسی کتاب‌های مذهبی و مربوط به مار کمیسست‌ها پیدا می‌کردند مجازات‌های سختی برایشان در نظر می‌گرفتند. آن زمان ما چیزی جز این کتاب‌ها و نوارهای سخنرانی امام و اعلامیه‌ها و رساله امام نداشتیم. خانه‌ها تلفن نداشت و پدر بزرگم در گفتن نداشتند. درست است که پدرم بعد از نظر را به روستا منتقل کنیم تا او در باغچه مخفی کند که اگر مشکلی پیش آمد و برای بازرسی خانه‌مان آمدند دستشان به کتاب‌ها نرسد. با وجود اینکه پدرم یک شخص مذهبی بود ولی در مورد بقیه مکاتب که آن زمان بحث‌شان داغ بود مطالعات بسیار عمیقی داشت که آنها از نظر فکر و بیان و منطق در مقابل پدر حرفی برای گفتن نداشتند. درست است که پدرم بعد از انقلاب فرمانده سپاه، فرمانده عملیات و نماینده حاکم شرع شد ولی در اصل معلم قرآن و معارف اسلامی بود و دشمنان هم به همین دلیل او را به شهادت رساندند.

■ **طرح برای ترور**

با شروع جنگ داوطلبانه به جبهه‌ها نبرد اعزام می‌شود. او در زمان حضورش در جبهه که فرماندهی گردان را به عهده دارد ضمن برگزاری کلاس‌های عقیدتی و سیاسی محفل قرآنی را هم برپا می‌کرد و خود به عنوان مربی به تعلیم قرآن می‌پرداخت. برات‌علی فوائیدی از هم‌زمان شهید می‌گوید: از هر فرصتی استفاده می‌کردم و خود را با ابتدای‌ترین وسیله به شهید مرچبا می‌رساندم تا بیشتر از صحبت‌ها و مباحثش استفاده کنم. چون پاسداران این شهرستان را پایه‌ریزی می‌کنند و به عنوان فرمانده عملیات به فعالیت می‌پردازند و با هدایت و راهنمایی‌های او برادرانش نیز در این نهاد انقلابی همکاری می‌کنند.

شاپور مرچبا برادر شهید بیان می‌کند: شهید مرچبا در زمان دانشجویی و هنگام نوشتن پایان‌نامه وقتی که استادش می‌خواهد به او نمره بدهد یوسف‌را با عنوان پرفسور مورد خطاب قرار می‌دهد. یوسف از نظر فقه و مبانی اسلام فرد دانشمندی بود. قبل از انقلاب رساله حضرت امام را به همه دوستان، آشنایان می‌داد تا آنها با اندیشه‌های امام آشنا شوند و باعث شد همه ما در آن زمان مقلد حضرت امام شویم. چهار برادر در سپاه لباس مقدس پاسداری را به تن کردیم و یکی از بنیانگذاران سپاه در منطقه بودیم و در جهت پاسداری و حراس‌ت از نظام شب و روز سر از پا نمی‌شناختیم. شهید به دو چیز خیلی تکیه داشت. نخست آنکه می‌گفت در مکتب ما اگر رهبر و اسلام نباشد تن و جان من ارزش ندارد. دیگر اینکه به نماز خیلی اهمیت می‌داد و بیشتر مواقع در صف اول نماز جماعت می‌ایستاد. بعضی اوقات هم که در خانه جمع بودیم می‌گفت نماز را به جماعت بخوانیم.

دختر شهید نیز با اشاره بر تأکید پدرش بر نماز اظهار می‌کند: اولین چیزی که پدرم به آن تأکید می‌کرد نماز بود. از خانواده هم شنیده‌ام که در نماز، شهادت را از خدا می‌خواست و آرزو داشت روزی به این مقام و سعادت برسد. در زمان تحرکات منافقین با شجاعت تمام و بصیرت به امر ولایت مطلقه فقیه در چند جبهه فرهنگی، سیاسی و نظامی به مبارزه و روبرویی مستقیم با جبهه باطل پرداخت و خاری در چشم دشمنان بود.



مروری بر زندگی تا شهادت یوسف مرچبا، شهید شاخص بسیج حقوقدانان در گفت‌وگوی «جوان» با خانواده و هم‌زمانش

منافقین ۲ بار او را ترور کردند



استان گیلان تعریف می‌کنند: در روزهای پایه‌گذاری سپاه در کشور، شهید در شهرستان آستارا سپاه پاسداران را ایجاد کرد و به عنوان فرمانده مشغول به کار شد. در اوایل انقلاب که گروهک‌ها جولانگاهی برای بحث‌ها داشتند و با انقلاب نپوای انقلاب اسلامی مقابله می‌کردند ایشان یکی از کسانی بود که با این افراد مقابله و بحث می‌کرد. در فعالیت‌های علمی و انقلابی بسیار شاخص بود و در آن زمان سدی محکم در مقابل منافقین، گروهک‌ها و کمونیست‌ها بود. آنها به همین دلیل تصمیم به ترور این شخصیت می‌گرفتند. یک‌بار در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۲۰ به اتفاق برادرش او را مورد ترور قرار دادند و مجروح کردند که با مقاومت شهید و با دفاع از خود منافقین پایه فرار می‌گذارند و متواری می‌شوند.

■ **شهادت با سه گلوله**

منافقین که در اجرای نقشه خود با ناکامی مواجه شده‌اند به دنبال راه دیگری برای از میان برداشتن یوسف مرچبا برمی‌دارند. چندین روز پس از ترور ناموفق نشان، نقشه‌شوم دیگری را طراحی می‌کنند و او در اول شهریور سال ۱۳۶۰ در حالی که از جلسه شورای امتحانات آموزش و پرورش برمی‌گشت توسط یکی از اعضای سازمان منافقین از ناحیه قلب، سر و دست هدف گلوله قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد. همسر شهید اشاره می‌کند که آن روز صبح شهید به دلیل دعوت در جلسه اداره آموزش و پرورش دیرتر از روزهای دیگر از خانه خارج



گفت‌وگو

خاطراتی از حجت‌الاسلام شهید مجتبی اکبرزاده

در گفت‌وگوی «جوان» با هم‌زمش

حاجی صلواتی برای شهادت عجله داشت

■ **غلامحسین بهبودی**

حجت‌الاسلام شهید مجتبی اکبرزاده از نسل روحانیون مبارزی بود که سال ۱۳۴۰ در شهر اراک به دنیا آمد و ۲۵ سال بعد در جبهه‌های دفاع مقدس به شهادت رسید. او که تهذیب را همراه تحصیل کرده بود، مقدم‌تر شد معنوی را در حوزه علمیه سپری کرد و در ادامه با حضور در جبهه‌های جنگ، فارغ‌التحصیل امتحان الهی شد و در عملیات کربلای ۴ به شهادت رسید. اما حضور نسبتاً طولانی مدت شهید اکبرزاده در جبهه‌های جنگ، خاطرات متعددی را در ذهن هم‌زمانش ایجاد کرده است که در گفت‌وگو با احمد آقا باقری هم‌زم شهید، ناپ‌ترین خاطرت یک روحانی شهید را تقدیم حضور تان می‌کنیم.

■ **روحانی خط‌شکن**

خاطراتی که می‌خواهم از حاج آقا اکبرزاده تعریف کنم تنها مربوط به خودم نیست. بلکه برخی‌شان را از سایر دوستان و هم‌زمان مشترک‌م‌ان شنیده‌ام که در مجموع طوری بیان می‌کنم که شمه‌ای از خصوصیات این روحانی شهید ارائه شود. شهید اکبرزاده بیشتر به عنوان یک روحانی مبلغ قدم به جبهه‌های گذاشت، اما اینطور نبود که پشت خط بماند و خط مقدم را در ک‌کنند. آنطور که یکی از هم‌زمانمان تعریف می‌کرد، طی یک عملیات همراه شهید اکبرزاده به خط مقدم درگیری می‌روند. ایشان می‌گویند هر بار که شهیدی را می‌دیدیم، حجت‌الاسلام اکبرزاده بالای سرش می‌رفت و دست روی چهره‌اش می‌کشید و خودش را تبرک می‌کرد. طوری با شهدا رفتار می‌کرد که انگار برایش مسلم شده

را ترور کرده‌اند. سرهنگ پاسدار خلیل توشه از هم‌زمان شهید اتفاقات اولین روز شهریور سال ۱۳۶۰ چنین روایت می‌کند: چون ایشان نماینده دادستان و حاکم شرع بود در تمام جلسات شهرستان شرکت می‌کرد. ایشان پس از جلسه می‌خواست به صورت پیاده به دادسرا برود که در حفاصل آموزش و پرورش تا دادسرا مورد هجوم مسلحانه منافقین قرار می‌گیرد و ترور می‌شود. از نحوه ترور شهید مشخص است منافقین نقشه‌های زیادی برای ترور او داشتند. آنها سر راه شهید مرچبا چوبی را سر راهش قرار می‌دهند و وقتی شهید از ماشین پیاده می‌شود او را ترور می‌کنند. وقتی منافقین به سمت مرچبا شلیک می‌کنند

هنگام فرار دوباره به عقب برمی‌گردند و وقتی بدن نیمه‌جانش را می‌بینند تیر خلاصی را به سمتش شلیک می‌کنند. در این فاصله یکی از جبهه‌ای سپاه از راه می‌رسند و زمانی که می‌خواهند فرد ترور‌کننده را بگیرند فرار می‌کنند و چندین تیراندازی هم صورت می‌گیرد. بعد از چند روز تعقیب و گریز شخصی ترور‌کننده را بازداشت می‌کنند و به سزای اعمالش می‌رسانند. شهید مرچبا از سرمایه‌های این نظام بود و چون دشمنان از بودن چنین شخصی غیبه می‌خوردند سعی می‌کردند او را بیشتر در تنگنا قرار بدهند. آخر سر هم از طرف منافقین مورد حمله قرار گرفت. شهید یوسف مرچبا مجاهدی خستگی‌ناپذیر و معلمی مهربان بود که در راه مبارزه و علم از هیچ تلاشی فروگذار نکرد و تا آخرین لحظه در چندین جبهه مشغول به خدمت بود. این حقوقدان شهید که امسال



بود او را می‌بینند و حرف‌هایش را نمی‌شنوند. با حالتی خاص با شهدا سخن می‌گفت. وقتی به خط رسیدیم، درگیری خیلی شدید بود. حاج‌آقا به‌رم آتش سنگین دشمن، به همانجا همه بسننده نکسرد و ۱۰۰ متر از خاک‌ریز اول جلوتر رفت. در سنگراه کمین و کنار سایر رزمندگان خط‌شکن قرار گرفت و همانجا ماند و آنقدر دعا کرد تا خط دشمن شکسته و راه برای عبور رزمنده‌ها باز شد.

■ **حاجی صلواتی**

خاطره دیگری در خصوص رایج کردن صلوات توسط شهید اکبرزاده در میان رزمندگان بود. البته آن دوران ذکر صلوات در جمع رزمنده‌ها بسیار طرفدار داشت، اما هنر حاج‌آقا این بود که ایشان ذکر صلوات را برای ریشه‌کن کردن غیبت، تهمت، دروغ و کلاه‌های دیگر در لشکر رایج کرده بود. یکی از دلایلی که بچه‌ها حرف حاجی صلواتی را گوش می‌دادند، روحیه باصفا‌ی او بود که در همه آموزش‌ها و سختی‌ها کنار بچه‌های ماند و بچه‌ها، ایشان را از خودشان می‌دانستند. شهید اکبرزاده در تمامی آموزش‌ها، مانور‌ها، راهیم‌یابی‌های شبانه و روزانه و آموزش‌های دشواری مثل شنا، غواصی و... در کنار بچه‌ها بود. اتفاقاً

طراح:علیرضا سجادی ■ شماره ۴۷۵۴

		۸			
		۲			
		۴	۲		
			۵		
		۴	۸	۹	
			۵	۳	
		۸	۳		
		۹	۶	۴	

جدول سودوکو

ارقام ۹تا ۹تا طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون ومربع های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۴۷۵۳

ک	ب	ص	و	ا	د	ا	ا	ا	ا
ا	و	ا	ص	د	س	ا	ب	ا	ا
ا	د	ا	ا	ب	ا	ص	س	و	ا
د	ا	ا	ب	س	ا	ا	ا	ا	ا
ا	ص	س	ا	ا	ب	و	د	ا	ا
و	ا	ب	د	ص	ا	س	ا	ا	ا
ا	ا	د	ا	ا	و	ب	ا	ا	ا
ب	س	ا	ا	ا	ص	و	د	ا	ا
ص	ا	ا	ا	د	ا	ا	ب	ا	ا

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ک	ی	ا	ت	ا	ر	ا	ا	ت	ا	ب	ا	ا	ا
۲	ک	ی	م	ی	ز	ک	ی	ر	و	ک	ی	ا	ا	ا
۳	ا	ک	ل	ک	ت	م	ی	م	ک	س	ی	ل	ا	ا
۴	ا	ب	ع	ن	ب	ر	ن	ا	ر	س	ب	ا	ا	ا
۵	ع	ب	ا	ن	د	م	ی	م	ی	ر	ا	ا	ا	ا
۶	ع	ب	ا	ر	د	ش	ن	و	م	ک	ی	ا	ا	ا
۷	ر	ا	ی	ن	ا	ن	د	و	م	و	م	و	ا	ا
۸	م	ی	ن	ا	ک	و	ر	س	ی	م	ا	م	و	ا
۹	م	ی	ر	و	ف	و	ر	س	ی	م	ق	م	و	ا
۱۰	ب	ی	ع	ا	س	ی	ا	ب	ر	و	ی	ا	ا	ا
۱۱	م	ی	ن	ی	ا	ب	ا	ا	ت	و	ز	ا	ر	ا
۱۲	ع	ب	ی	ن	ی	ا	ب	ا	ا	ر	م	ل	ر	م
۱۳	و	ر	و	م	ی	د	ا	ی	ع	ن	ف	ا	ا	ا
۱۴	ا	و	ا	ز	ن	ا	س	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
۱۵	ن	ی	ت	ر	ن	ک	ی	ر	و	د	ا	ل	ا	ا